گزارش تاریخی

سالار الدوله؛ فرمانروای خودخوانده ناکام!

ابوالفتح میرزا سالار الدوله، پسر دوم مظفر الدین شاه و برادر کوچک محمدعلی شاه بود. او در سال ۱۲۶۰ خورشیدی در تبریز به دنیا آمد و از همان ابتدای کار، مانند برادرش، به مشروطیت روی خوش نشان نداد. پس از فتح تهران در تیرماه سال ۱۲۸۸ و فرار محمدعلی شاه به سفارت روسیه‌تزاری، سالار الدوله در کردستان دست به شورش زد و سنندج را اشغال کرد و حتی در نامه‌ای تند و تیز به مجلس شورای ملی، از آن‌ها خواست تا با شاه مخلوع که به سفارتخانه اجنبی گریخته بود، همکاری کنند! با این حال، گردنکشی سالار الدوله مدت زیادی طول نکشید و با رسیدن نیروهای مشروطه‌خواه، او به عثمانی گریخت و بعداً، در وین با برادرش دیدار کرد تا در مسیر بازگشت وی به ایران و ساقط کردن مشروطیت همکاری کند. به این ترتیب، همزمان با ورود محمدعلی شاه به ترکمن صحرا، او نیز قشونی از ایل کلهر، جاف، سنجابی و... تدارک دید و موفق شد کرمانشاه و همدان را بگیرد و به سوی تهران حرکت کند. سالار الدوله در نبرد مشهور ملایر که در آن ۳۰ هزار سرباز زیر پرچم داشت، توانست بر قشون حکومت مرکزی به فرماندهی امیر مفخم بختیاری غلبه کند و سرمست از این پیروزی، راه پایتخت را پیش گرفت. ظاهراً همین غرور بی‌جا کار او را ساخت؛ چرا که امیر مفخم با درس گرفتن از شکست پیشین، در نزدیکی ساوه بر قوای سالار الدوله تاخت و آن‌ها را تارومار کرد. همزمان محمدعلی شاه هم نتوانست در مسیر گرگان به تهران کاری از پیش ببرد و دوباره به روسیه گریخت. اما سالار الدوله ول کن ماجرا نبود. روز دوم مهرماه سال ۱۲۹۰، یعنی حدود ۹۹ سال قبل، او رسماً تصمیم گرفت که خودش را شاه اعلام کند. اما نتوانست در برابر قوای مشروطه‌خواه کاری از پیش ببرد و به عثمانی گریخت. دولت ایران برای زنده یا مرده او ۲۵ هزار تومان جایزه تعیین کرد. چند سال بعد سالار الدوله که اوضاع ایران را درهم‌وبرهم می‌دید، دوباره هوای شاهی به سرش زد و به ایران آمد، اما این بار بدتر از دفعه‌های قبل مغلوب شد. جالب این جاست که چند سال بعد از این اتفاق، با وساطت روسیه، مشروطه‌خواهان حکومت گیلان را به او سپردند؛ اما سالار الدوله دوباره شورش کرد و این بار، به عثمانی گریخت و از آن‌جا به مصر رفت و تا آخر عمر در بندر اسکندریه ماند. سالار الدوله در سال ۱۳۳۸ خورشیدی در مصر درگذشت و همان‌جا مدفون شد؛ او به آرزویش، یعنی به دست‌آوردن تخت سلطنت نرسید.

تاریخ علم

مسافرت‌های هوایی ۱۶۸ ساله شد

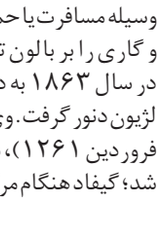

۱۶۸ سال پیش در چنین روزی، ۲۳ سپتامبر سال ۱۸۵۲ میلادی (۲ مهرماه ۱۲۳۱)، هنری گیفاد نخستین بالون حمل مسافر را در پاریس به کار انداخت. پیش از آن، از این وسیله به صورت محدود و صرفاً برای کارهای علمی یا فعالیت‌های انفرادی استفاده می‌شد، اما گیفاد توانست به پرواز جنبه تجاری بدهد؛ وی با ساخت بالون مسافربری مجهز به موتور بخار، مسافرت‌های هوایی را پایه‌گذاری کرد. نخستین پرواز بالون گیفاد، روز ۲۳ سپتامبر ۱۸۵۲ از پاریس به مقصد آپیه در فرانسه صورت گرفت؛ پروازی موفقیت‌آمیز که در بالونی پرشده با گاز هیدروژن انجام شد. او روی بالون یک موتور با قدرت چهار اسب‌بخار، نصب کرده بود که اجازه می‌داد مسیر حرکت بالون را اصلاح کند و کار هدایت آن را به دست باد نسپارد. به این ترتیب وی مسیر ۲۷ کیلومتری پاریس- آپیه را با وجود باد شدید طی کرد و نشان داد که می‌توان از وسیله جدید، در فعالیت‌های تجاری بهره برد. با وجود این، خطر انفجار گاز هیدروژن باعث می‌شد که مردم در انتخاب وسیله مسافرت یا حمل کالا احتیاط کنند و قطار و گاری را بر بالون ترجیح دهند. هنری گیفاد در سال ۱۸۶۳ به دلیل این اقدام خود، نشان لژیون دنور گرفت. وی در ۱۴ آوریل ۱۸۸۲ (۲۵ فروردین ۱۲۶۱)، در یک سانحه هوایی کشته شد؛ گیفاد هنگام مرگ ۵۷ ساله بود.

ژن خونخواری در پسران صدام

عُدَی و قُصَی صدام، طی ۲۴ سال دوران دیکتاتوری پدرشان، به چه جنایت‌های عجیب و غریبی دست زدند؟

جواد نوائیان رودسری– برخی صفحات تاریخ را، حتی مورخانی که به شنیدن جنایت‌های جانیان تاریخ عادت کرده‌اند هم، نمی‌توانند بخوانند. برخی از شخصیت‌های تاریخی، آن‌قدر وحشی و خبیث هستند که رفتارهایشان در حجم ذهنی مریض‌احوال‌ترین بیماران روانی قرار نمی‌گیرد؛ واقعاً هیچ واژه‌ای نمی‌تواند معنای واقعی کنش‌ها و جنایت‌های آن‌ها را برای مخاطب تشریح کند. صدام و فرزندانش، دقیقاً از همین قماش هستند؛ شبه‌آدم‌هایی که داستان جنایت‌هایشان را نمی‌شود خواند؛ موجودات پلیدی که جهان را با وجود متعفن خود، به گند کشیدند و کارنامه سیاه زندگی سراسر نکبت آن‌ها، تاریخ را در مقابل آیندگان شرمنده می‌کند. آن‌چه در این نوشتار، به‌اختصار بررسی می‌شود، برگ‌هایی از جنایات هولناک زیرکتر و هم بی‌رحم‌تر بود، جانشین خود کند. علا بشیر، پزشک خانوادگی صدام که با روحیات عدی از نزدیک آشنا بود، او را مبتلا به بیماری حادروانی می‌داند؛ بشیر معتقد است که بیماری عدی به ویژه بعد از ترور او در اواخر دهه ۱۹۸۰ بیشتر شد. او به شکار زنان و دختران بخت‌برگشته می‌پرداخت و پس از آزار شدید جسمی و تعرض به آن‌ها، با فجیع‌ترین شکل ممکن، به زندگی‌شان خاتمه می‌داد. یکی از این زنان، همسر یکی از ژنرال‌های عراقی بود که عدی او را متهم به خیانت کرد و پس از قتل همسرش، وی را به زندان انداخت و به حبس ابد محکوم کرد. عدی وسایل شکنجه ویژه خودش را اختراع کرده بود؛ یحیی عادل، بدل عدی، درباره اتاق‌های شکنجه مخصوص عدی که در ویلای دورافتاده‌ای تدارک دیده شده بود، می‌گوید: او یک قاب آهنی ساخته بود که افراد را درون آن‌ها قرار می‌داد؛ این قاب پیچ‌هایی داشت که به تدریج سفت می‌شد و به گوشت بدن فرد فرومی‌رفت. بارها شاهد بودم که وقتی آن بدبخت فریاد می‌کشید، عدی قهقهه می‌زد و می‌گفت بیشتر پیچ‌ها را سفت کنند. او به مواد مخدر هم معتاد بود. صرف‌نظر از رفتارهایی که یحیی عادل گزارش داده‌است، نوع برخورد عدی با ورزشکاران عراقی نیز، عجیب و غریب بود؛ او که توسط صدام، به‌عنوان رئیس کمیته ملی المپیک عراق منصوب شده بود، خانواده‌های ورزشکاران را گروگان می‌گرفت و تهدید می‌کرد اگر مدال نیاورند، به زنان تجاوز می‌کند و مردان را زنده‌زنده می‌سوزاند! فوتبالیست‌های قدیمی عراق، هنوز هم طعم دردناک شلاق‌های عدی را به یاد دارند؛ او آن‌ها را «سگ» و «میمون» خطاب می‌کرد و برای تنبیه در چاه فاضلابشان می‌انداخت. وقتی در سال ۲۰۰۰، در مسابقات مقدماتی جام جهانی، تیم فوتبال عراق با نتیجه چهار بر یک، مغلوب لبنان شد، عدی دستور داد «هاشم حسن» دروازه‌بان تیم و «قحطان شاطر» فوتبالیست دیگر عراقی را که به عقیده او در این باخت نقش داشتند، به مدت سه روز و در فاصله‌های زمانی کم، شلاق بزنند. بقیه فوتبالیست‌ها هم، از کتک‌های عدی در امان نماندند و تعدادی نیز، سر از چاه توالت درآوردند. عُدی حتی در خانواده نیز، به هرزگی و لاابالی‌گری می‌پرداخت. برخی فرار حسین کامل، داماد صدام را به اردن، ناشی از تهدید عدی می‌دانند؛ او مست و لایعقل وارد مهمانی حسین کامل شده و به سمت او تیراندازی کرده بود. عُدی در بمباران پناهگاهش در موصل، به تاریخ ۲۲ ژوئیه سال ۲۰۰۳، در ۳۸ سالگی کشته شد.

قُصَی صدام

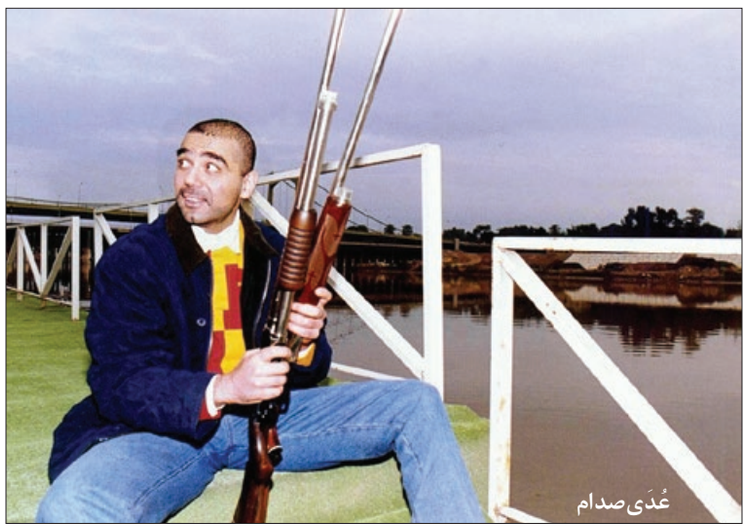

عُدَی صدام

■ قُصَی صدام؛ جانی زیرک!

قصی صدام در سال ۱۹۶۶ به دنیا آمد؛ یک سال بعد از تولد عدی. قصی برخلاف برادرش، اهل هیاهو نبود؛ کمتر هرزگی می‌کرد و بیشتر دوست داشت مثل پدرش در فضای سیاهی که ناشی از سیاست‌های وحشی‌گرانه حزب بعث بود، تقلا کند و در سایه باقی بماند. قصی از همان ابتدا به صدام نشان داد که هر اندازه که پدر دوست دارد، بی‌رحم است و در همان حال، آرام و محتاط. صدام به او اعتماد کامل داشت؛ آن‌قدر که در روزهای پایانی، قصی یکی از دو نفری بود که می‌دانست صدام دقیقا کجا مخفی شده‌است. قصی پس از فرار پدرش از بغداد، حاکم این شهر بود. اما اگر فکر می‌کنید این ویژگی‌ها باعث می‌شود تا در سیاهه جنایات او، کمتر از عدی قتل و تجاوز و کشتار ببینیم، سخت در اشتباه‌اید! قصی برخلاف برادرش، همیشه به جنایت در مقیاس وسیع فکر می‌کرد. او همان جنایتکاری است که به دلیل دشمنی با شیعیان، دستور قتل‌عام آن‌ها را صادر کرد و فرمان داد نیزارهای جنوب را آتش بزنند. فیلم‌های وحشتناکی که با عنوان جنایت‌های صدام، پس از مرگ وی منتشر شد، عموماً عملیات‌هایی بود که زیر نظر شخص قصی انجام می‌گرفت. یکی از مشاوران او، بعدها فاش کرد که قصی، زیاد حرف نمی‌زد، اما دوست داشت زغال شدن افراد را در آتش ببیند؛ آن هم در حالی که زنده‌زنده می‌سوزند! صدام می‌خواست قصی را برای جانشینی خود معرفی کند؛ معتقد بود با شخصیت نامتعادل و روحیه توام با خونخواری‌اش، می‌توان سال‌ها عراق را در آتش پرلهیب دیکتاتوری حزب بعث و خاندان صدام نگه داشت. قصی از شکنجه کردن زندانیان لذت می‌برد؛ اما بیشتر دوست داشت خودش این کار را انجام دهد. برخی گزارش‌ها از نقش او در شکنجه و شهادت برخی اسرای ایرانی حکایت دارد. قصی چه در زمان جنگ تحمیلی علیه ایران و چه در زمان سرکوب قیام مردم کُرد عراق، علاقه فراوانی به زدن تیر خلاص داشت؛ او عاشق کشتار در حجم بالا بود؛ به خصوص اگر این کشتار، به دست خودش انجام می‌شد. قصی برخلاف پدرش که علاقه فراوانی به فیلم «پدرخوانده» داشت و خود را «دون کارلئونه» تصور می‌کرد و مثلاً می‌خواست ادای رؤسای مافیا را دربیاورد، اصلا اهل تعارف نبود؛ در واقع این قصی بود که با تحریک برادرش عدی، جنجال مهمانی منزل کامل حسین، شوهرخواهر خودش را به پا کرد و او را واداشت از عراق بگریزد تا بعد، نقشه قتل وحشیانه وی را بکشد؛ طرحی که صدام هم از آن حمایت کرد و نشان داد چندان هم در نقش پدرخوانده فرونرفته است! قصی هم در بمباران ۲۲ ژوئیه ۲۰۰۳ موصل کشته شد.

اندر احوالات قبله عالم

اسبِ لگدزن، قوش مرده و اوقات تلخ ما!

چهارشنبه، ۲۲ ربیع‌الثانی ۱۳۰۶ * - صبح سوار شدیم رفتیم چشمه‌علی برای شکار. عزیزالسلطان هم بود. میرشکار را فرستادیم ببیند شکار هست یا نه؟ آمد و گفت شکار هست. راندیم به سمت تپه‌ها. عزیزالسلطان قوش قزل (قوش طلایی) خودش را آورده‌است. می‌خواهد بیندازد برای شکار. آورد قوش را بست کنار آفتابگردان (سایه‌بان). اسب‌ها را آوردند بستند کنار قوش. آن‌ها هم ترسیدند و پدرسوخته‌ها بنا کردند به لگد زدن. قوش افتاد وسط این‌ها. آن‌قدر به او لگد زدند که مُرد. اوقات ما و عزیزالسلطان هر دو تلخ شد. اصلاً دیگر حوصله نداشتیم برویم شکار؛ اما گفتیم شاید شکاری چیزی بزنیم. عزیزالسلطان هم کلافه بود. گفتیم بیاید که برویم. رفتیم اما از بس اوقاتمان تلخ بود، شکار پیدا نکردیم.

***۶ دی ۱۲۶۷**

چند خط تاریخ

گزارش تولید نان سنگک یک قرن قبل!

ویلیامز جکسن یکی از مشهورترین پژوهشگرانی است که روی خط و زبان‌های باستانی ایران کار کرده‌است؛ اما شهرت او فقط به این دلیل نیست که دستور زبانی برای خط اوستایی نوشت؛ بلکه سفرنامه او به ایران که گزارش مفصلی را از وضعیت اجتماعی و فرهنگی حدود یک قرن قبل کشور ما ارائه می‌کند، دلیل دیگر شهرت این خاورشناس معروف است. او در بخشی از سفرنامه خود به تشریح شرایط بازار ایران می‌پردازد و سیمای مرکز تبادلات تجاری یک شهر ایرانی را در یک قرن قبل، این چنین تصویر می‌کند و درباره نان سنگک می‌نویسد: «در این جا بساطی پر از خربوزه (خربزه) که حتی ممکن است برای فروش در زمستان ذخیره شده باشد، دیده می‌شود و در آن جا دکان فلان زرگر ارمنی که با دست سرگرم ملیله‌دوزی ظریف است. در این سوی کلاهدوزی را می‌بینید که سرگرم ساخت و پرداخت کلاه پوست (پوست بره) یافینه ایرانی است و در آن سوی، نانوایی را مشاهده می‌کنید که ورقه‌های بزرگ خمیر را به دیواره تنور گلی می‌چسباند. این تنور چیزی نیست جز گودالی که در آن سنگریزه پاشیده‌اند و این ریگ‌ها، حرارت را جذب می‌کند و این نان‌های بزرگ را می‌پزد، اما قیافه مجدری به نان می‌دهد و از این جاست که این نان‌ها غالباً طعم شن وریگ دارد. اکنون به خوبی می‌توان دانست که چرا این نان‌ها «نان سنگک» خوانده می‌شود.»

نکته تاریخی

«سِجِلّ ایرانی» ۹۲ ساله‌است

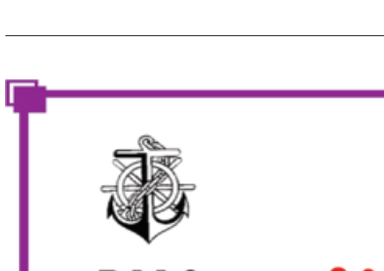

برخی فکر می‌کنند که ماجرای تعیین نام‌خانوادگی و صدور شناسنامه، در دوره پهلوی اتفاق افتاد و از این دوره به بعد بود که مردم ایران، به استفاده از نام‌خانوادگی روآوردند؛ در حالی که چنین نیست. سال ۱۲۹۷ خورشیدی، هفت سال قبل از اضمحلال قاجاریه، هیئت‌وزیران طی مصوبه‌ای، به تشکیل اداره «سجل احوال» رأی داد و از آن پس ایرانیان می‌توانستند با مراجعه به این اداره، برای خود نام‌خانوادگی انتخاب کنند. از واژه «سِجِل» تا پیش از کاربرد به عنوان شناسنامه، به معنای عهدنامه یا «دفتری که قاضی صورت دعاوی و اسناد و احکام را در آن می‌نویسد» استفاده می‌شد؛ اما پس از تشکیل اداره «سجل احوال» به تدریج مفهوم پیشین را از دست داد و در معنای جدید کاربرد پیدا کرد. به این ترتیب، رسم قدیمی نوشتن تاریخ ولادت و وفات پشت جلد قرآن، که تا قبل از صدور شناسنامه رایج بود، به تدریج منسوخ شد.

مکان‌های تاریخی

یادگاری ۲۱۲۰ ساله اشکانی در بیابان‌های ایذه

ساسانیان پس از رسیدن به قدرت، بسیاری از نشانه‌های فرمانروایان اشکانی را از بین بردند؛ برخی از مورخان معتقدند که یکی از دلایل محدودبودن آثار باستانی مربوط به دوره اشکانی، با وجود دوام بیش از ۵۰۰ ساله آن دودمان، همین است. معدود یادگاری‌های فرمانروایان پارتی که حکومتشان ویژگی‌های خاص فراوانی مانند استفاده از نوعی حکومت مبتنی بر شورا داشت، در مناطق دورافتاده ایران باقی مانده که به جز معبد آناهیتا در کنگاور، نقش برجسته «خونگ اژدر» از بهترین و مشهورترین آن‌هاست. این نقش برجسته در ۱۵ کیلومتری ایذه، نزدیک روستایی به همین نام قرار دارد؛ بر تخته سنگی بزرگ که در طرف دیگر آن، نقش برجسته‌ای از دوران عیلامی به یادگار مانده‌است؛ البته سنگ‌نگاره عیلامی تقریباً محو شده و چیزی از آن باقی نمانده است. یادگار اشکانی «خونگ اژدر»، ظاهراً مهرداد دوم اشکانی، نُهُمین فرمانروای این دودمان را که بین سال‌های ۱۲۴ تا ۸۷ پیش از میلاد حکمرانی کرد، سوار بر اسبی نشان می‌دهد؛ پشت سر او فردی دیده می‌شود که احتمالاً یکی از حکام محلی است. در سمت دیگر کتیبه تصویر سه نفر دیگر به صورت ایستاده دیده می‌شود که اولی یک کاهن است و چیزی شبیه میوه کاج در دست دارد. دو نفر دیگر که دستان خود را به حالت گره خورده در برابر کمر گرفته‌اند، احتمالاً نگهبان هستند. گمان می‌رود تصویر مردی که در وسط این نگاره دیده می‌شود، با مجسمه برنزی مرد شمی که در موزه ایران باستان نگهداری می‌شود، بی‌ارتباط نباشد و به گفته برخی کارشناسان، این تصویر همان مجسمه یک دست موزه ایران باستان است. احتمالاً این فرد، از مقام بالایی در آن دوره برخوردار بوده‌است.

وزارت راه و شهر سازی
سازمان بنادر و دریانوردی
اداره کل بنادر و دریانوردی استان هرمزگان

P.M.O

آگهی تجدید مزایده عمومی

P.M.O

مزایده گزار : اداره کل بنادر و دریانوردی استان هرمزگان
موضوع مزایده : فروش ۸۲۰ قلم اقلام مازاد انبار فنی بندر شهید رجایی شامل : الف) ۸۰۸ قلم اقلام قدیم ب) ۱۲ قلم اقلام مازاد برگشتی جدید ، به شرح اسناد مزایده.
شرایط اختصاصی:
۱- دارا بودن اهلیت قانونی جهت معامله
۲- دارا بودن تابعیت جمهوری اسلامی ایران
مهلت و نحوه دریافت اسناد :
متقاضیان شرکت در مزایده می توانند از تاریخ ۹۹/۷/۲ تا پایان وقت اداری مورخ ۹۹/۷/۷ با مراجعه به سایت www.setadiran.ir نسبت به دریافت (خرید) رایگان اسناد اقدام نمایند.
* ضمناً دریافت آگهی از سایتهای www.shahidrajaeeport.pmo.ir - iets.mporg.ir نیز بدون پرداخت وجه نقد امکان پذیر است.
مهلت و محل تسلیم پاکات و بارگذاری اسناد:
متقاضیان باید پیشنهادات خود را تا ساعت ۱۵:۰۰ روز شنبه مورخ ۹۹/۷/۱۹ در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت(ستاد ایران) به آدرس www.setadiran.ir بارگذاری نمایند .
تبصره ۱ : متقاضیان مکلفند تا همین تاریخ علاوه بر بارگذاری اسناد خود در سایت مذکورنسبت به تحویل فیزیکی صرفاً پاکت الف (اصل تضمین شرکت در مزایده) به دبیرخانه مرکزی اداره کل بنادر و دریانوردی استان هرمزگان- مجتمع بندری شهید رجایی- ساختمان مرکزی-طبقه ی همکف تسلیم نمایند.
تبصره ۲ :کلیه ی مراحل برگزاری از دریافت اسناد مزایده تا ارائه ی پیشنهاد مزایده گران و گشایش پوشه ها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد ایران) آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد و لازم است مزایده گران در صورت عدم عضویت قبلی ، مراحل ثبت نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مزایده محقق سازند بدیهی است در صورت عدم انجام فرایند در سامانه ی مذکور پیشنهادات ارائه شده به صورت فیزیکی مورد قبول واقع نمیگردد.
تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار(تضمین شرکت در مزایده) : جهت شرکت در مزایده به مبلغ ۹۸/۳۰۴/۹۳۶ ریال با واریز وجه نقد به حساب شماره ۲۱۹۶۴۵۵۴۰۷۰۰۸ نزد بانک صادرات به نام سپرده اداره کل بنادر و دریانوردی استان هرمزگان یا به صورت ضمانت نامه بانکی معتبر
تبصره : ضمانت نامه مذکور می بایست از تاریخ صدور به مدت حداقل ۳ ماه دارای اعتبار باشد. همچنین برای یک دوره سه ماهه دیگر نیز قابل تمدید باشد.
زمان و محل بازگشایی پاکات:
بازگشایی پاکات الکترونیکی در مورخ ۹۹/۷/۲۱ روز دوشنبه ساعت ۹:۰۰ در محل مجتمع بندری شهید رجایی- ساختمان مرکزی اداره کل –طبقه سوم – دفتر مدیر کل انجام می گردد.
تبصره: دریافت اسناد ، مراحل ثبت نام و بارگذاری کلیه اسناد و مدارک می بایست از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت(ستاد) انجام پذیرد.
حضور مزایده گران یا نمایندگان تام الاختیار آنها با معرفی نامه رسمی در جلسه بازگشایی پاکت قیمت بلامانع است.
- اسناد باید با کیفیت بالا و خوانا(۴۰۰ یا ۳۰۰ dpi) اسکن و بارگذاری گردد. در صورت ناخوانا بودن ، به اسناد مذکور ترتیب اثر داده نخواهد شد.
- برای کسب اطلاع بیشتر در خصوص اسناد مزایده با تلفن های ۳۲۱۲۳۲۲۵- ۳۲۱۲۴۴۱۰-۰۷۶ و جهت دریافت اسناد مزایده با شماره تلفن ۳۲۱۲۳۲۲۶-۰۷۶ تماس حاصل فرمایید.

شناسه آگهی : ۹۹۶۲۳۸
۶۸۹
روابط عمومی اداره کل بنادر و دریانوردی استان هرمزگان